

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تفسیر سورہ مبارکہ انسان

ویژہ پایہ دہم

سوره انسان

در روایات آمده است: امام حسن و امام حسین علیهما السلام بیمار شدند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با مردم به عیادت آنان آمدند و به حضرت علی علیه السلام پیشنهاد کردند که برای سلامتی دو کودک عزیز خود نذر کنند که روزه بگیرند. پس از آن که حسنین بهبود یافتند، حضرت علی و حضرت فاطمه علیهما السلام سه روز روزه گرفتند اما برای افطار غذایی در خانه نداشتند.

حضرت علی علیه السلام از شمعون یهودی مقداری جو قرض کرد و نانی تهیه شد.

به هنگام مغرب ابتدا نماز مغرب را خواندند و خواستند افطار نمایند که شب اول فردی مسکین، شب دوم فردی یتیم و شب سوم سائلی اسیر، در منزل علی علیه السلام را به صدا درآوردند و درخواست غذا کردند. اهل بیت علیهم السلام برای رضای خدا، غذای خود را به آنان دادند و خودشان با آب افطار کردند. خداوند متعال، این سوره را در وصف ایثار آنان نازل فرمود.

مهم آن است که در این حرکت مقدس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سهیم و شریک نبود تا روشن شود که این سوره فقط درباره اهل بیت علیهم السلام نازل شده است. [۱]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً ﴿۱﴾ إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعاً بَصِيراً ﴿۲﴾

آیا بر انسان دوره ای از روزگار گذشت که چیزی قابل ذکری نبود؟ همانا ما انسان را از نطفه ای آمیخته (از نطفه مرد و زن) آفریدیم تا او را بیازماییم، پس او را شنوا و بینا گردانیدیم.

نکته ها:

* «دهر» به معنای زمان و دوران و «أَمْشَاجٍ» جمع «مشیح» به معنای مخلوط است.

* امام باقر علیه السلام در روایتی فرمودند: «کان شیئاً لم یکن مذکوراً» [۲] انسان، چیزی بود ولی قابل ذکر نبود و بعداً قابلیت پیدا کرد.

* امام صادق علیه السلام می فرماید: انسان در تقدیر الهی بود، ولی چیز موجودی نبود. «لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً» [۳]

* امام باقر علیه السلام فرمودند: مراد از «نُطْفَهٍ أَمْشَاجٍ»، اختلاط نطفه مرد با زن است [۴]

* برای بیدار کردن وجدان خفته، گاهی مسائل قطعی در قالب سؤال مطرح می شود. چنانکه مادر از فرزند خود می پرسد: آیا من به تو شیر ندادم؟ در این آیه هم کلمه «هَلْ» به معنای «قد» می باشد. هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ ... یعنی به تحقیق، بر هر انسانی دورانی گذشته که چیز قابل ذکر نبوده است.

* ناچیز بودن انسان گاهی طبیعی است، «لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَذْكَوراً» ولی گاهی به خاطر عملکرد نامناسب، انسان خودش را به مرز ناچیز بودن می رساند. چنانکه قرآن می فرماید: یا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ ... ای اهل کتاب! اگر کتاب آسمانی را برپا ندارید، هیچ هستید. [۵]

* قرآن، ۱۲ مرتبه از آفرینش انسان از نطفه یاد کرده است، تا هم قدرت خداوند معلوم شود که از نطفه ای انسان می سازد و هم انسان دچار غرور و تکبر نگردد.

پیام ها:

۱- انسان، باید درباره منشأ وجود خود فکر کند. «لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَذْكَوراً»

۲- انسان موجودی نوآفریده و حادث است. «لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَذْكَوراً»

۳- انسان در مسیر وجودی خود، روند تکاملی داشته و مراحلی را طی نموده است: ابتدا وجود نداشت، «لَمْ يَكُنْ شَيْئاً» [۶] بعد از بوجود آمدن هم، چیز قابل ذکری نبود «لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَذْكَوراً»

۴- یاد ضعف ها، غرور انسان را برطرف و او را تسلیم خداوند می کند. «لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَذْكَوراً»

۵- آفرینش انسان از نطفه ای ناچیز، جلوه ای از عظمت الهی است. إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ ...

۶- خداوند، با صورت گری روی آب، قدرت نمایی می کند. «مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ»

۷- آفرینش انسان، حکیمانه و هدفدار است. خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ ... نَبْتَلِيهِ

۸- انسان، موجودی مسئول و مکلف است. (آزمایش کردن نشانه تکلیف است). «نَبْتَلِيهِ»

۹- همه انسان ها در طول تاریخ مورد آزمایش الهی واقع می شوند. «نَبْتَلِيهِ»

۱۰- بیان دو ویژگی شنوایی و بینایی برای نمونه است و گرنه تمام اعضای بدن مورد امتحان واقع می شوند. «سَمِيعاً بَصِيراً»

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِراً وَ إِمَّا كَفُوراً «۳» إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَ أَغْلَالاً وَ سَعِيراً «۴»

به راستی ما راه (حق) را به او نمایانندیم، خواه شاکر (و پذیرا) باشد یا ناسپاس. همانا ما برای کفر پیشه گان زنجیرها و غل ها و آتشی برافروخته آماده ساخته ایم.

نکته ها:

* هدایت، چند گونه است:

گاهی هدایت فطری است. چنانچه قرآن می فرماید: «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» [۷] خداوند به نفس بشر، خیر و شر را الهام کرد.

نوع دیگر، هدایتی است که از طریق تحصیل، تعقل، مشورت، تجربه و مطالعه به دست می آید.

و نوع سوم هدایتی است که از راه تبلیغ و ارشاد انبیا و اولیا صورت می گیرد.

* تشکر گاهی قلبی است، یعنی همه نعمت ها را از خدا بدانیم؛ گاهی عملی است، بدین معنا که انسان نعمت های خداوند را فقط در راه حق مصرف کند و گاهی زبانی است، یعنی انسان «الحمد لله رب العالمین» را بر زبان جاری کند.

* «سلاسل» جمع «سلسله» به معنای زنجیر و «اغالال» جمع «غل» به معنای طوقی است که به گردن می نهند و «سعیر» به معنای آتش افروخته است.

* امام صادق علیه السلام ذیل آیه «إِذَا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا» فرمودند: «عرفناه اما آخذ و اما تارك» [۸] ما راه را به او معرفی کردیم، یا آن را می گیرد و یا رها می کند.

* «سلاسلًا و اغلالًا» یعنی زنجیر در پا و غل بر گردن.

* انسان در مسیر بندگی و تشکر از خداوند، مرحله ضعیف یا متوسطی را طی می کند ولی در طریق سرکشی و تمرد، مرحله بالایی را می پیماید. در شکر، شاکر است (نه شکور)، ولی در کفر، کفور است. «إِذَا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا» یعنی شکر او معمولی ولی کفر او قوی است. به چند نمونه دیگر توجه کنید. قرآن می فرماید:

«إِنَّهُ لَيُؤَسُّ» [۹] انسان بسیار مأیوس است.

«إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ» [۱۰] به راستی که انسان بسیار ظالم است.

«كَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا» [۱۱] انسان موجودی عجل است.

«كَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا» [۱۲] انسان، تنگ نظر است.

«إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا» [۱۳] انسان بسیار حریص و کم طاقت است.

«إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا» [۱۴] هنگامی که شری به او رسد، بسیار جزع و فزع می کند.

«إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ» [۱۵] انسان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس و بخیل است.

پیام ها:

۱- آزمایش انسان، براساس آگاهی و آزادی است:

آگاهی به واسطه چشم و گوش و عقل و فطرت درونی و هدایت بیرونی؛ و آزادی بر مبنای اختیار که به تمام انسان ها داده شده است: نَبْتَلِيهِ ... سَمِيعاً بَصِيرًا إِنَّا هَدَيْنَاهُ ... إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِنَّمَا كَفُورًا

۲- خداوند، حجت را بر انسان تمام کرده است. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ»

۳- راه درست، یکی بیش نیست. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ» (کلمه «سبیل» مفرد است.)

۴- هدایت، نعمتی در خور سپاس است. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرًا» (بیمودن راه دین، شکر الهی و انحراف از آن، کفران و ناسپاسی است.)

۵- کسانی که هدایت انبیا را نپذیرند، بالاترین مرحله از کفر را مرتکب شده اند.

(به جای آنکه بگویند «اما کافرا»، فرمود: «إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِنَّمَا كَفُورًا». زیرا «کفور»، اوج کفر است.)

۶- هرکس شاکر نباشد، کفور است، راه سوئی وجود ندارد. «إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِنَّمَا كَفُورًا»

۷- در تربیت انسان، نقش هشدار، بیش از بشارت است. (لذا قرآن ابتدا هشدار می دهد و سپس بشارت.) «إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ ...»

۸- کیفرهای الهی دارای ملاک و معیارند. «أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلْسِلًا وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا»

۹- هر انتخابی، سرانجام خود را به دنبال دارد. کفر، دوزخ را و شکر، بهشت را.

إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا ... إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ ... إِنَّ الْأُبْرَارَ ...

إِنَّ الْأُبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا «۵» عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا «۶»

همانا نیکان از پیمانه ای می نوشند که با کافور (گیاهی خوشبو) آمیخته شده است. چشمه ای که بندگان خدا از آن می نوشند و هر گونه بخواهند، آن را جاری می سازند.

نکته ها:

* «ابرار» یا جمع «بر» است، (همانند «ارباب» که جمع «رَب» است) یا جمع «بار» است (نظیر «اشهاد» که جمع «شاهد» است). به هر حال «بر» به معنای گستردگی است و بیابان را به خاطر گستردگی آن، «بر» می گویند. انسان نیکوکار دارای روحی باز و گسترده است و هدف او از انجام کار نیک، رسیدن به مال و مقام نیست بلکه فکری فراتر از مال و مقام دارد. دست نیکوکاران برای کمک به دیگران باز و اجر آنان نیز گسترده است [۱۶]

* «کافور» به معنای گیاه خوشبو است که در خنکی و سفیدی ضرب المثل است.

* «تفجیر» به معنای شکافتن است و به کسی که با گناه پرده حیا را بشکافد، «فاجر» می گویند و «فجر» نوری است که تاریکی شب را می شکافد.

* براساس روایات، مراد از «ابرار» در این آیات، اهل بیت پیامبر علیهم السلام هستند که با نذر روزه گرفتند و افطاری خود را به یتیم و مسکین و اسیر دادند که در آیات بعد آمده است.

با اینکه عده ای این سوره را مدنی می دانند، اما بعضی مغرض و مخالف می گویند: سوره انسان مکی است و حسنین علیهما السلام در مدینه متولد شده اند، بنابراین این آیات درباره اهل بیت نازل نشده، زیرا بیماری آنان و عیادت پیامبر و روزه والدین آنها در مدینه بوده است!

در پاسخ می گوییم: در بسیاری از سوره های مکی، آیات مدنی وجود دارد و بهترین شاهد مطلب آن است که کلمه «أسیر» در این آیات آمده، با آن که در مکه اسیری وجود و اسیر گرفتن مربوط به جنگ های پس از هجرت به مدینه است.

پیام ها:

۱- احسان و نیکوکاری جلوه ای از شکر هدایت الهی است. *إِذَا شَاكِرًا ... إِنَّ الْأُبْرَارَ ...*

۲- نوشیدنی های بهشتی مخلوط با مواد خوشبو و معطر است. *«كَانَ مِزَاجُهَا كَأَفْوَرًا»*

۳- کامیابی های بهشتی به کسانی تعلق می گیرد که خود را به مرحله عبودیت رسانده باشند. *«يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ»*

۴- محرومیت های موقت بندگان خدا در دنیا، در قیامت جبران می شود. *«يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ»*

۵- اهل بیت، به خاطر رسیدگی به محرومان، به لقب ابرار و به خاطر اطاعت از خداوند، به لقب عباد الله ملقب شدند. *إِنَّ الْأُبْرَارَ ... عِبَادُ اللَّهِ*

۶- بندگان خدا، اهل نیکی به دیگران هستند و نیکوکاران، بنده خدا هستند.

الْأُبْرَارَ يَشْرَبُونَ ... يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ

۷- اراده بهشتیان کارساز است و آنان به هر چه اراده کنند می رسند و هر چه را اراده کنند انجام می شود. «يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا»

يُؤْفُونَ بِاللَّذْرِ وَ يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ﴿٧﴾ وَ يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أُسِيرًا ﴿٨﴾ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكْرًا ﴿٩﴾ إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ﴿١٠﴾

آنان به نذر وفا می کنند و از روزی که شرش فراگیر است می ترسند. و غذای خود را با آن که دوستش دارند، به بینوا و یتیم و اسیر می دهند. (و می گویند:) ما برای رضای خدا به شما طعام می دهیم و از شما پاداش و تشکری نمی خواهیم. همانا ما از پروردگارمان، به خاطر روزی عبوس و سخت، می ترسیم.

نکته ها:

* «مستطیر» از «سیطائره» یعنی سلطه است و ریشه آن «طیر» به معنای گستردگی است.

* «قمطیر» به معنای شری است که سخت باشد.

* بر اساس برخی روایات، اطعام مسکین و یتیم و اسیر در یک شب واقع شد و براساس برخی، در سه شب متوالی اتفاق افتاد و هر شب، یکی از آنها مراجعه کرد.

* مراد از «يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ» آن است که اهل بیت با آنکه آن غذا را دوست داشتند، به دیگران دادند. چنانکه قرآن در جای دیگر می فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» به نیکی نمی رسید مگر آنکه از آنچه دوست دارید، انفاق کنید [۱۷]

صاحب تفسیر المیزان می فرماید: محبت اهل بیت به خداوند در آیه بعد مطرح شده که می گویند: «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ وَ منظور از «عَلَى حُبِّهِ»، علاقه به غذا است که در این صورت، علاوه بر اخلاص، ایثار آنان نیز ثابت می شود.

* اگر به فکر نام و شهرت نباشید، خداوند نامتان را جاودانه می کند. کاری که اهل بیت کردند، ارزش مادی فراوانی نداشت ولی چون خالصانه بود، خداوند آن را ماندگار ساخت.

* در این آیه، کلمات مسکین و یتیم و اسیر به صورت نکره آمده تا بگوید: در اطعام، نباید گزینش کرد، بلکه به هر کس که بود انفاق کنید.

* پروین اعتصامی درباره اخلاص در انفاق می گوید:

بزرگی داد یک درهم گدا را

که هنگام دعا یاد آر ما را

یکی خندید و گفت این درهم خُرد

نمی ارزید این بیع و شری را

مکن هرگز به طاعت خودنمایی

حجاب دل مکن روی و ریا را

تو نیکی کن به مسکین و تهیدست

که نیکی خود سبب گردد دعا را

به وقت بخشش و انفاق پروین

نباید داشت در دل جز خدا را

* خوف از خداوند، به معنای خوف از مقام اوست. چنانکه در جای دیگر می فرماید: «وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ» [۱۸]

پیام ها:

۱- کمال واقعی زمانی است که نیکی در انسان نهادینه شود. (تمام کمالات با فعل مضارع که نشانه استمرار فعل است، آمده است.) یُوفُونَ ، يَخَافُونَ ، يُطْعِمُونَ و...

۲- اطعام و انفاق زمانی ارزش بیشتر دارد که شیء انفاق شده، مورد نیاز و علاقه انسان باشد. «يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ»

۳- اسلام، حامی مستمندان و یتیمان و اسیران است. وَ يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ ... مَسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أُسِيرًا

۴- گروهی طعام را دوست دارند و گروهی اطعام را. «يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ»

۵- اطعام، زمانی ارزش بیشتری دارد که از خود و با دست خود باشد. «تَطْعِمُكُمْ»

۶- کمکی ارزش دارد که خالصانه و به دور از هر منت و انتظاری باشد. «تَطْعِمُكُمْ لِرُوحِهِ اللّٰهِ»

۷- آنچه به عمل ارزش می دهد، انگیزه خالصانه و اخلاص در عمل است.

«نُطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُوراً»

۸- نیکان، نه تنها با زبان درخواست تشکر ندارند، بلکه در دل هم به فکر تمجید و تشکر نیستند. لا نُرِيدُ ... شُكُوراً

۹- گرچه ابرار انتظار پاداش ندارند ولی مردم نباید بی تفاوت باشند. در آیه ۲۵ سوره قصص می خوانیم: حضرت شعیب دخترش را فرستاد تا پاداش سقایی و آب دادن حضرت موسی را بپردازد. «إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ مَا سَقَيْتَ»

۱۰- گذشتن از پاداش، به تنهایی نشانه اخلاص نیست، بلکه گذشتن از تمجید و تشکر نیز لازم است. «لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُوراً»

۱۱- وفای به نذر واجب است و کسی که به نذر خود وفا نکند، از قهر الهی بترسد. «يُوقُونَ بِالنَّذْرِ وَ يَخَافُونَ يَوْمًا»

۱۲- اگر کاری برای خدا باشد، فقط از قهر او می ترسیم، نه مردم. «نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا»

۱۳- داشتن انگیزه الهی، منافاتی با شوق به ثواب یا خوف از عقاب ندارد. زیرا ثواب و عقاب نیز از خداست. لَوَجْهِ اللَّهِ ... إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبُوسًا

۱۴- در قیامت، نه تنها مردم عبوسند، بلکه روز عبوس است. «يَوْمًا عَبُوسًا»

۱۵- برای فرار از آن روز عبوس، امروز در برابر مسکین و یتیم و اسیر، عبوس نکنید. «نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبُوسًا»

فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا» ۱۱ و جَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا» ۱۲ مُتَكَبِّرِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرُونَ فِيهَا شَمْسًا وَ لَا زَمْهَرِيرًا» ۱۳ وَ دَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَ ذَلَّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا» ۱۴ وَ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآنِيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَ أَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا» ۱۵ قَوَارِيرًا مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا» ۱۶ وَ يُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا» ۱۷ عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا» ۱۸

پس خداوند آنان را از شرّ آن روز مصون دارد و آنان را با شادی و سروری بس بزرگ روبرو کند. و به سبب صبری که کردند، بهشتی بزرگ و پوششی از حریر پاداششان دهد. در حالی که در آن بر تخت ها تکیه زده اند، در آنجا نه آفتابی بینند و نه سرمایی. و سایه های درختان بر سرشان نزدیک و خوشه های میوه در دسترس آنان. بر دور آنان ظرف های نقره فام و تنگ های بلورین گردانده شود.

بلورهایی از نقره که در اندازه هایی (معین و متفاوت) اندازه گیری کرده اند. در آن بهشت، جامی نوشانده می شوند که با زنجبیل آمیخته است. چشمه ای در آنجا است که سلسبیل نامیده می شود.

نکته ها:

* «نَضْرَةٌ» به معنای زیبایی و شادابی است. چنانکه در جای دیگر می خوانیم: «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ» [۱۹] «ارائك» جمع «اریکه» به معنای تخت زینت داده شده است.

* «زَمْهَرِيرٌ» به معنای سرمای شدید و «قُطُوفٌ» جمع «قطف»، به معنای چیدن است.

* «تَذْلِيلٌ» در معنای رام کردن و در اختیار گذراندن است.

* «أَكْوَابٍ» جمع «کوب» به معنای کاسه و «قَوَارِيرٌ» جمع «قاروره» به معنای شیشه و «سَلْسَبِيلٌ» نام چشمه ای در بهشت است.

* امام باقر علیه السلام ذیل آیه «جَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا» فرمود: پاداش ابرار به خاطر صبری است که در برابر فقر و مصیبت های دنیا داشتند. [۲۰] چنانکه حضرت علی علیه السلام فرمود: «صبرت و فی العین قذی و فی الحلق شجی» [۲۱] صبر کردم در

حالی که در چشم، خار و در گلو تیغ داشتیم. و درباره امام حسین علیه السلام می خوانیم: «لقد عجبت من صبرک ملائکه السماوات» [۲۲] همانا از صبر تو فرشتگان آسمان به تعجب افتادند.

* اطعام ابرار برای دو هدف صورت گرفت: «لِوَجْهِ اللَّهِ» و «نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا» و به آن دو

هدف هم رسیدند. «فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ لَقَاهُمْ نَصْرَهُ وَ سُورًا»

* صابران نه تنها در قیامت پاداش می بینند، بلکه در دنیا، سلام و صلوات الهی را دریافت می کنند. «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ» [۲۳]، «بَشِّرِ الصَّابِرِينَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ» [۲۴]، «إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا» [۲۵]

* نعمت های بهشتی در اعلی درجه خوبی هستند. تنوین در کلمات «نَصْرَهُ»، «سُورًا»، «جَنَّةً»، «خَرِيرًا» برای عظمت است.

پیام ها:

۱- خداوند، مخلصان را به مراد خود می رساند. إِنَّا نَخَافُ ... يَوْمًا عَبُوسًا - فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ

۲- ثمره خوف از خدا، نجات از قهر اوست. إِنَّا نَخَافُ ... فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ

۳- کیفر و پاداش باید متناسب با عمل باشد. (حفظ و نجات محرومان، سبب حفظ و نجات انسان در قیامت است). «فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ»

۴- ترس امروز، امنیت فردا و مسرور کردن امروز، مسرور شدن فردا را به دنبال دارد. نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا ... فَوَقَاهُمُ اللَّهُ ... وَ لَقَاهُمْ نَصْرَهُ وَ سُورًا

۵- پاداش های الهی به خاطر صبر است. «جَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا»

۶- بهشتیان در آسایش و آرامش به سر می برند. «مَتَكِينٍ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ»

۷- هوای بهشت بسیار مطبوع است. «لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَ لَا زَمْهَرِيرًا»

۸- در بهشت، نعمت ها تسلیم ابرار هستند. «ذَلَّلْتُ قُطُوفَهَا تَذْلِيلًا»

۹- خادمان بهشتیان، پروانه وار به دور آنان می چرخند. «يُطَافُ عَلَيْهِمْ»

۱۰- ظرف های بهشت در شکل و اندازه های متفاوت و مطابق با اراده و میل بهشتیان ساخته شده است. «قَدَرُوهَا تَقْدِيرًا»

وَ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وُلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنثورًا ﴿١٩﴾ وَ إِذَا رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ مُلْكًا كَبِيرًا ﴿٢٠﴾ عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَ إِسْتَبْرَقٌ وَ حُلُوًّا أَسْوَرَ مِنْ فِضَّةٍ وَ سِقَاهُمْ رَبِّهِمْ شَرَابًا طَهُورًا ﴿٢١﴾ إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَ كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا ﴿٢٢﴾

و پسرانی همیشه جوان، (به خدمت) بر آنان می گردند، هرگاه آنان را بینی، پنداری مرواریدهای غلطان و پراکنده اند. و چون آنجا را بنگری نعمتی فراوان و سلطنتی بزرگ می بینی. بر اندامشان جامه های سبز از دیبای نازک و ضخیم است و با دستواره های نقره زینت شده اند و پروردگارشان شرابی طهور (پاک و پاک کننده) به آنان می نوشاند. همانا این جزایی است برای شما و سعیتان مورد سپاس است.

نکته ها:

* از امام کاظم علیه السلام پرسیدند: چرا در این سوره نامی از حورالعین در پاداش ابرار و اهل بیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مطرح نشده است؟ امام علیه السلام فرمودند: به خاطر مقام فاطمه زهرا علیها السلام. [۲۶]

* امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کنند: هنگامی که بهشتیان وارد بهشت می شوند، با درختی روبرو می شوند که سایه ای گسترده دارد و از پای آن دو چشمه جاری است، آنان در چشمه ای خود را می شویند و از چشمه دیگر می نوشند و پس از آن هیچ بیماری و ناراحتی در بدن آنها رخ نمی دهد و این است معنای «سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَاباً طَهُوراً» [۲۷]

نعمت های بهشتی

* میان نعمت های بهشتی با نعمت های دنیا تفاوت های بسیاری وجود دارد، که در اینجا به گوشه ای از آنان اشاره می کنیم:

بسیار زیادند: «فَاكِبَهُ كَثِيرَةً» [۲۸]

موسمی و فصلی نیستند: «لَا مَقْطُوعَهُ» [۲۹]

در بهره گیری از آنها هیچ منعی وجود ندارد. «وَلَا مَمْنُوعَهُ» [۳۰]

بهشتیان در استفاده از آنها حس انتخاب دارند. «مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ» [۳۱]

برای هر نوع اشتهاهی، نعمتی موجود است: «مِمَّا يَشْتَهُونَ» [۳۲]

استفاده از آنها آفات و عوارضی به دنبال ندارد: «لَا يُصَدَّغُونَ» [۳۳]

بهره گیری از آنها بدون زحمت است. «وَوَدَّعْتُ قُطُوفُهَا تَذَلُّيلاً» [۳۴]

هر چه بخواهید، خادمان برایتان فراهم می کنند: «وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ»

خادمان بهشتی هم زیبا هستند: «لَوْلَوْأَنَّ مَنُورًا»، هم پیر نمی شوند: «مُخَلَّدُونَ»

کامیابی در کمال آرامش است: «عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِنُونَ» [۳۵]

در بهشت حسادت و رقابت در آنجا راهی ندارد. «نَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ» [۳۶]

نعمت ها با رضا و سلام پروردگار همراه است: «وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ» [۳۷] ، «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ» [۳۸]

ذریه مؤمن به آنها می پیوندند و کامیاب می شوند: «أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ» [۳۹]

با اولیای الهی همسایه می شوند: «وهم جيرانی» [۴۰]

نعمت های بهشتی متنوع اند: «وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ ... وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ» [۴۱]

پیام ها:

۱- پذیرایی در بهشت، خصوصیات ویژه ای دارد. از جمله:

نیازی به درخواست و تقاضا ندارد، زیرا پذیرایی کنندگان همواره به دور بهشتیان می گردند. «يَطُوفُ»

مسئولین پذیرایی از هر سو بر بهشتیان اشراف دارند. «يَطُوفُ عَلَيْهِمْ»

پذیرایی کنندگان نوجوانند. «وَلِدَانٌ مُّخَلَّدُونَ» [۴۲]

قیافه آنان مانند لؤلؤ درخشانده است. «حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا»

حکومت بهشتیان گسترده است. «مُلُكًا كَبِيرًا»

رنگ لباس پذیرایی کنندگان سبز «خُضْرًا» و جنس لباس آنان از ابریشم نازک «سُنْدُسٍ» و ضخیم «إِسْتَبْرَقًا» است.

ساقی ابرار، پروردگار متعال «سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ» و نوع شراب آنها، طهور است.

«شَرَابًا طَهُورًا» (امام صادق علیه السلام فرمود: این شراب، قلب بهشتیان را از غیر خدا پاک می کند) [۴۳]

۲- با آنکه بهشت، فضل و لطف الهی است، اما خداوند آن را مزد و اجر ابرار می شمرد تا بهشتیان به کار خود ببالند. «إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً»

۳- پاداش های الهی بر اساس نیت و کیفیت انجام کار است، نه بر اساس کمیت کار و مقدار و مبلغ احسان. (چند قطعه نان جو و این همه پاداش، فقط به خاطر داشتن اخلاص و ایثار است.) «إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَ كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا»

۴- کسی که از مردم، نه پاداش طلب کند و نه تشکر بخواهد، «لَا تُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكْرًا»، خداوند به او هم پاداش می دهد و هم تشکر می کند. «كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَ كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا»

۵- تشکر و قدردانی از تلاش دیگران، یک صفت الهی است. «سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا»

۶- نطفه بی مقدار «نُطْفَهٗ اَمْشَاجٍ» بر اثر ایمان و عمل و اخلاص و ایثار به جایی می رسد که آفریدگار هستی از او تشکر می کند. «وَ كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا»

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا «۲۳» فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَ لَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا «۲۴» وَ اذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَ أُصِيلًا «۲۵»

همانا ما خود قرآن را بر تو فرو فرستادیم. پس در برابر حکم پروردگارت صبر پیشه کن و از هیچ گنه کار یا کفران پیشه اطاعت مکن. و در هر صبح و شام، نام پروردگارت را یاد کن.

نکته ها:

* «بُكْرَةً» به فاصله میان طلوع فجر و طلوع آفتاب گفته می شود «اصیل» به معنای فاصله عصر تا غروب و آخر روز است. ممکن است مراد از این دو کلمه، یاد خدا در آغاز و انجام روز و اقامه نماز باشد.

پیام ها:

۱- در برابر تهمت سحر و کهنات به قرآن، مقاومت کنید. «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ»

۲- قرآن به تدریج نازل شده است. «نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ»

۳- پیاده کردن فرامین قرآن، صبر و مقاومت لازم دارد. نَزَّلْنَا ... فَاصْبِرْ

۴- پایداری و صبر، در انجام فرمان پروردگار ارزش دارد نه در پافشاری به سلیقه های شخصی خود. «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ»

۵- فرامین الهی، برای رشد انسان است. «لِحُكْمِ رَبِّكَ»

۶- انبیا به موعظه الهی نیاز دارند. «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ»

۷- گناه پیشه گان و خلافکاران تلاش می کنند که در رهبری مسلمانان نفوذ کنند.

«فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَ لَا تُطِيعُ مِنْهُمْ آيْمًا أَوْ كَفُورًا»

۸- یاد خدا، انسان را صبور و مقاوم می کند. فَاصْبِرْ ... وَ اذْكُرْ ... بُكْرَةً وَ اَصِيلاً

۹- از اوقات مناسب برای یاد خدا، آغاز و پایان روز است. «بُكْرَةً وَ اَصِيلاً»

وَ مِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَ سَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا «۲۶» إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَ يَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا «۲۷»

و بخشی از شب را برای او سجده کن و در بخشی طولانی از شب به تسبیح او بپرداز. همانا اینان دنیای زودگذر را دوست دارند و روز گرانبار (قیامت) را پشت سر می نهند.

نکته ها:

* فرمان عبادت و تکرار کلمه «لیل» در یک آیه کوتاه، نشانه ی اهمیّت و نقش شب در عبادت است.

* از امام صادق و امام رضا علیهما السلام پرسیدند: مراد از فرمان «سَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا» چیست؟ فرمودند: نماز شب [۴۴]

پیام ها:

۱- محبت و دلبستگی به دنیا، سرچشمه گناه و کفر و از نشانه های گناه پیشگان است. لا تُطِيعُ مِنْهُمْ أَيْمًا أَوْ كَفُورًا ... إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ

۲- دنیا، زودگذر و ناپایدار است. «الْعَاجِلَةَ»

۳- دنیاگرایی و آخرت گریزی، زمینه گناه پیشگی است. آئِمًا ... يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَ يَذُرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا

۴- قیامت، روزی بسیار سخت و سنگین است. «يَوْمًا ثَقِيلًا»

۵- توجه به زودگذر بودن دنیا و سختی و سنگینی روز قیامت، از عواملی است که می تواند محبت انسان را از دنیا کم کند. الْعَاجِلَةَ ... يَوْمًا ثَقِيلًا

نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَ شَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَ إِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَالَهُمْ تَبْدِيلًا «۲۸» إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا «۲۹» وَ مَا تَشَاوُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا «۳۰» يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَ الظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا «۳۱»

مائیم که خلقشان کردیم و مفاصلشان را محکم ساختیم و هرگاه خواهیم مانند آنها را چنانکه باید به جای آنان می آوریم. به راستی این آیات، وسیله تذکری است، پس هرکه بخوهد، راهی به سوی پروردگارش در پیش گیرد. و شما چیزی رانمی خواهید، مگر این که خدا بخوهد، همانا خداوند دانا و حکیم است. هر که را بخوهد به رحمت خود درمی آورد و برای ظالمان عذابی دردناک آماده کرده است.

نکته ها:

* «اسر» بستن با بند است و «اسیر» کسی است که در بند بسته شده است. مراد از «شَدَدْنَا أَسْرَهُمْ» آن است که بندها و مفاصل آدمی را محکم کردیم.

پیام ها:

۱- کفر و طغیان بستر نابودی انسان است. آثِمًا أَوْ كَفُورًا ... بَدَلْنَا أَمْثَالَهُمْ

۲- توانایی خداوند بر آفرینش انسان، نشانه توانایی او بر نابود کردن او است.

خَلَقْنَاهُمْ ... بَدَلْنَا أَمْثَالَهُمْ

۳- خداوند، حجت را بر مردم تمام کرده است. «إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ»

۴- قرآن، وسیله هوشیاری است. «إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ»

۵- راه خدا، اجباری نیست، هر که می خواهد به سعادت برسد، باید خود آن را انتخاب کند و بپیماید. «فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا»

۶- خواست انسان، نه مستقل از خواست خداوند است و نه برتر از آن. بلکه آنچه را انسان می خواهد، اگر مورد خواست خداوند نیز قرار گیرد، محقق می شود.

«وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ»

۷- مشیت خداوند، عالمانه و حکیمانه است، نه گزافه. يَشَاءُ اللَّهُ ... عَلِيمًا حَكِيمًا

۸- بر اساس حکیمانه، کسانی که بخواهند مشمول رحمت الهی می شوند.

«يَدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ»

۹- کسانی از رحمت الهی دورند، که خود راه ظلم را پیش گرفته اند. «وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»

«والحمد لله رب العالمين»

[۱] - الغدير، ج ۳، ص ۱۰۷.

[۲] - تفسیر برهان.

[۳] - تفسیر کنزالدقائق.

[۴] - تفسیر نورالثقلین.

[۵] - مائده ۶۸.

[۶] - مریم، ۶۷.

[۷] - شمس، ۸.

[٨] - تفسير كنز الدقائق.

[٩] - هود، ٩.

[١٠] - ابراهيم، ٣٤.

[١١] - اسراء، ١١.

[١٢] - اسراء، ١٠٠.

[١٣] - معارج، ١٩.

[١٤] - معارج، ٢٠.

[١٥] - عاديات، ٦.

[١٦] - مفردات راغب.

[١٧] - تفسير برهان؛ محاسن برقي، ج ٢، ص ٣٩٧.

[١٨] - الرحمن، ٤٦.

[١٩] - قيامت، ٢٢.

[٢٠] - بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٨٦.

[٢١] - نهج البلاغه، خطبه ٣.

[٢٢] - بحار الانوار، ج ٩٨، ص ٢٣٩.

[٢٣] - رعد، ٢٤.

[٢٤] - بقره، ١٥٥.

[٢٥] - مؤمنون، ١١١.

[٢٦] - مناقب، ج ٣، ص ٣٢٨.

[٢٧] - بحار، ج ٨، ص ٢١٢.

[٢٨] - واقعه، ٣٢.

[٢٩] - واقعه، ٣٣.

[٣٠] - واقعه، ٣٣.

[۳۱] - واقعه، ۲۰.

[۳۲] - واقعه، ۲۱.

[۳۳] - واقعه، ۱۹.

[۳۴] - انسان، ۱۴.

[۳۵] - یس، ۵۶.

[۳۶] - واقعه، ۱۶.

[۳۷] - توبه، ۷۱.

[۳۸] - یس، ۵۸.

[۳۹] - طور، ۲۱.

[۴۰] - دعای ندبه.

[۴۱] - محمد، ۱۵.

[٤٢] - طور، ٢٤

[٤٣] - تفسير مجمع البيان

[٤٤] - تفسير نورالثقلين.